
اقتباس از نمایشنامه "شاهلیر" در فیلم "آشوب" ساخته آکیرا کوروساوا، تحلیل شاخصه‌های فرهنگ

■ علی معروفی [نویسنده مسوول]

■ نغمه نمینی

تاریخ دریافت مقاله ۹۴/۰۷/۲۹ | تاریخ پذیرش نهایی ۹۴/۰۴/۳۰

اقتباس از نمایشنامه "شاهلیر" در فیلم "آشوب" ساخته آکیرا کوروساوا، تحلیل شاخصه‌های فرهنگ

علی معروفی | کارشناس ارشد ادبیات نمایشی، دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

نغمه ثمینی | استادیار دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

چکیده

بسیاری از آثار هنری جدید به اقتباس از آثار قدیمی تر و کلاسیک خلق می‌شوند. چه بسا آثاری که در طول تاریخ به دفعات و هر بار به گونه‌ای و با برداشتی جدید مجدداً تولید شده و در معرض نمایش قرار گرفته‌اند. این امر در مورد نمایشنامه به‌شکلی ویژه مصداق می‌یابد. چراکه در هر بار اجرا، با کارگردانی یا دراماتورژی جدید می‌توان با نگاهی نوین و از زاویه‌ای دیگر متن را به اجرا درآورد. در زمان معاصر نیز پدیده نسبتاً جدید تبدیل نمایشنامه به فیلم رخ نموده است. در هنگام انجام این اقتباس (مثل هر اقتباس دیگری) یک اثر هنری که در بطن فرهنگ زمانی و مکانی خاصی تولید شده توسط هنرمند اقتباس‌گر به بستر فرهنگ زمانی و مکانی دیگری برده می‌شود. مصالح و مؤلفه‌های فرهنگی از زمان و مکان مبدأ نیز به طریق اولی به زمان و مکان مقصد منتقل می‌شود. از جمله چالش‌های اصلی هنرمند اقتباس‌گر در این رهگذر برساختن جهان خلق شده در اثر اولیه (که با مصالح فرهنگی مبدأ ساخته شده است) با مصالح و مؤلفه‌های فرهنگی مقصد اقتباس است، به گونه‌ای که تأثیر اثر مبدأ حتی الامکان از بین نرود. در متن پیش رو چهار مؤلفه فرهنگی دانش، دین، روابط قدرت و روابط جنسیتی به عنوان دیدگاه‌های منتخب در نظر گرفته شده‌اند. در ادامه با بررسی این مؤلفه‌ها در انگلستان عهد شکسپیر و ژاپن زمان حاضر به بررسی تطبیقی این مؤلفه‌ها در دو اثر هنری نمایشنامه شاه‌لیو نوشته ویلیام شکسپیر و فیلم سینمایی "آشوب" ساخته آکیرا کوروساوا پرداخته شده است. نتیجه‌گیری اولیه حکایت از اهمیت بسیار زیاد هم‌ارزسازی مؤلفه‌های فرهنگی در امر اقتباس دارد. در نهایت فیلم سینمایی یادشده از این دیدگاه (موفقیت در هم‌ارزسازی مؤلفه‌های فرهنگی) مورد داوری قرار گرفته است.